

اعتماد السلطنه: روزنامه نگاری با ۷ روزنامه در عصر قاجار

علی نجفی^۱

آسیه ذبیح نیا عمران^۲

نرجس بانو صبوری^۳

چکیده

محمدحسن خان اعتماد السلطنه (۱۲۵۹-۱۳۱۳) یکی از متفکرین، سیاست مداران و مورخین عهد ناصری است. زندگی و شخصیت او به چند جهت و به ویژه جنبه روزنامه‌نگار بودن، او را در میان اندیشه‌گران قاجاری ممتاز کرده است. او یکی از پرکارترین مورخ و روزنامه‌نگار تمام دوران تاریخ ایران به‌شمار می‌رود. همچنین وی نخستین روزنامه‌نگار ایرانی است که بر یک زبان خارجی کاملاً تسلط داشته است. در عصر قاجار، نشر مبتنی بر ساده‌نویسی، درازگویی‌ها و مسجع‌نویسی‌ها و انواع صنایع زیبا و نازیبای بدیعی در نشر آمیختن و اندک معنی‌ها را با بسیار یافتن کلمات و مفصل‌نویسی، پر جلوه دادن جایگاهی نداشت و ادبیات تنها برای قشر خاصی از جامعه به نام امیر و وزیر و چون اینان نوشته نمی‌شد، بلکه همه آحاد جامعه را در بر می‌گرفت. اعتمادالسلطنه در سال‌های آخر زندگی خویش، به ثبت وقایع روزمره زندگی خود و درباریان قاجار پرداخت و بدین ترتیب کتاب روزنامه خاطرات پدید آمد که از مهم‌ترین منابع تاریخ ایران در اواسط دوره قاجار است. کتاب مفصل روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، مجموعه یادداشت‌های روزانه اعتمادالسلطنه و مشتمل بر حوادث ۱۵ ساله آخر زندگی از نظر محتوی و مضمون، در برگیرنده یک فصل از تاریخ پر فراز و نشیب ایران در دوره قاجاریه است. حس نوستالوژی و افسوس به گذشته پرشکوه در جای جای کتاب به چشم می‌خورد. نویسنده به دنبال بررسی علل و عواملی است که باعث این عقب‌گرد تاریخی گردیده است.

واژگان کلیدی: روزنامه خاطرات، اعتمادالسلطنه، محتوا، سبک نوشتاری.

۱- استادیار دانشگاه فرهنگیان همدان anajafi44@yahoo.com

۲- دانشیار دانشگاه پیام نور Asieh.zabihnia@gmail.com

۳- استادیار دانشگاه پیام نور n_sabouri@yahoo.com

مقدمه

اعتمادالسلطنه در (۱۶ سپتامبر ۱۸۴۳ - ۲ آوریل ۱۸۹۶م)، دانشمند و سیاست‌پیشه مشهور عصر ناصرالدین‌شاه و صاحب‌ده‌ها کتاب. محمدحسن ازدودمان مراغه‌ای بود و پدرش حاج علی‌خان که نخست لقب ضیاءالملک داشت و سپس به اعتمادالسلطنه ملقب شد، حاجب الدوله‌ی دربار ناصرالدین‌شاه بود. خاندان او از ادوار نخست پیدایش قاجاریه در دربار صاحب‌عناوین و مشاغلی بودند و جدش موسوم به حسین‌خان مقدم مراغه‌ای چندی پیش‌خدمت عباس میرزا نایب‌السلطنه بود و چون به تهران آمد، کارهای حکومتی را عهده‌دار شد. پدر اعتمادالسلطنه نیز به مقامات بلند سیاسی دست یافت، اما در زمان محمدشاه به سبب پاره‌ای نادرستی‌ها از کار برکنار شد و اموالش مصادره گردید و به زندان افتاد و سرانجام به عتبات عالیات تبعید شد. چون محمدشاه درگذشت، حاج علی‌خان به تهران بازگشت و مورد توجه مهد علیا، مادر شاه جدید قرار گرفت و در دربار به سرعت نفوذی به هم رسانید، به گونه‌ای که میرزا آقاخان نوری او را جزء نزدیکان و محارم خویش درآورد. حاج علی‌خان در همان اوان رسماً حاجب‌الدوله دربار شد و در توطئه برضد امیرکبیر با مهد علیا و میرزا آقاخان نوری همدست بود و وظیفه قتل امیرکبیر را برعهده گرفت. در دوره‌ی صدارت میرزا آقاخان نوری کار حاج علی‌خان نیز رونق بیشتری یافت، اما چون آقاخان نوری در محرم ۱۲۷۵ق/ ۱۸۵۹م از صدارت کنار رفت، او نیز معزول و بی‌کار شد. (کتیرایی، ۱۳۸۴: ۱۲) محمدحسن خان اعتمادالسلطنه چهارمین فرزند حاجی علی‌خان بود و در تهران دیده به جهان گشود. (خان ملک ساسانی، ۱۳۳۸: ۱۶۹). حاج علی‌خان از نوکرهای دربار محمدشاه و در اواسط دوره‌ی سلطنت او منصب نظارت داشت. در ۱۲۶۱ مورد خشم واقع شده از منصب خود معزول شد و بعداً او را چوبی زده محبوس ساختند. بعد‌رهایی یافته به مکه مشرف شد و در مراجعت او، طولی نکشید که محمد شاه مرحوم، و ناصرالدین شاه به تهران آمد. میرزا تقی‌خان امیرکبیر دوباره او را وارد نوکری دربار ساخت و او فراشباهی شد. در سفر و حضر با شاه بود و با آن که از محارم و بستگان امیرکبیر محسوب بود، نزد رقبای او نیز رفت و آمد داشت و با میرزا آقاخان نوری و میرزا یوسف مستوفی الممالک و امثال آن سروسری پیدا کرده بود، خلاصه تقریباً جاسوس آنها بود.

همزمان با افتتاح مدرسه‌ی دارالفنون در ۱۲۶۸ق/۱۸۵۲م او جزء اولین شاگردانی بود که پای به این مدرسه نهاد و ۱۲ سال در آنجا به فراگرفتن زبان فرانسه و آموزش‌های نظامی پرداخت. مدتی بعد عزیزخان سردار کل (وزیر جنگ) او را به منصب "وکیلی نظام" منصوب کرد. (آرین پور، ۱۳۵۵)

محمدحسن خان دوره‌ی تحصیل در دارالفنون را با دریافت مدال طلا به پایان رسانید و با درجه‌ی یآوری (سرگردی) جزء ملتزمان دستگاه ولیعهد محمدقاسم میرزا درآمد، اما محمدقاسم میرزا در همان اوان کودکی درگذشت و محمدحسن خان هم به خیل ملتزمان میرزا محمدخان سپهسالار پیوست. در ۱۲۷۵ق/۱۸۵۹م به منصب سرهنگی ارتقاء یافت و چون پدرش در این هنگام مورد عفو شاه قرار گرفته، و حکومت خوزستان و لرستان به او واگذار شده بود، وی نیز به عنوان نایب‌الایاله و رئیس قشون همراه پدر شد و چندی حکمرانی شوشتر را در دست گرفت. در ۱۲۷۸ق/۱۸۶۱م به تهران بازگشت و ژنرال آجودان شاه شد. (ساسانی، ۱۳۳۸: ۱۷۰) او در ۵۳ سالگی و تقریباً یک ماه پیش از قتل ناصرالدین شاه، در ۱۳ فروردین به علت سکت قلبی درگذشت. گروهی مرگ وی را مشکوک اعلام کردند و گفتند امین اسلطان او را مسموم کرده است. (لشکری، ۱۳۹۰: ۱۰۸)

در بررسی سیاسی کارنامه سیاسی اعتمادالسلطنه اعتقاد بر این است که وی در دنیای سیاست محافظه‌کار بود و دوستی روس‌ها را برگزید. از این رو سیاستمداران انگلوفیل با او دشمنی می‌ورزیدند و وی را متهم به جاسوسی روس‌ها می‌کردند و به همین دلیل، شاه نیز اعتماد کاملی به وی نداشت. اما کارنامه ادبی وی برخلاف کارنامه سیاسی‌اش درخشان است. آثار وی تحولی در اندیشه‌ی جامعه روشنفکری ایجاد کرد. اما این اتهام به وی وارد شده که بسیاری از کتب منسوب به وی، آثار دیگران و به ویژه اعضای انجمن دارالتألیف و دارالترجمه است. محیط طباطبایی او را بزرگترین استشارگر علما و فرهیختگان عصر خویش نامیده است و قزوینی نخستین متفکری است که او را آشکارا به سرقت آثار دیگران متهم کرده است. این اتهام از آن نظر مهم است که پدر قزوینی، ملا عبدالوهاب قزوینی کارمند اداره انطباعات بود. از نظر وی آثار مطلع الشمس، المائر و الآثار، التدوین فی احوال جبال شروین، تاریخ منتظم ناصری، مرآت البلدان، تاریخ اشکانیان و تاریخ ساسانیان از آن جمله‌اند و این آثار را افرادی چون محمدحسین فروغی،

شمس العلماء عبدالرب آبادی، میرزا ابوالفضل ساوجی و ... به نگارش درآورده‌اند. اکنون دیگر جای شبهه نیست که اعتمادالسلطنه بیشتر این آثار را شخصاً تألیف نکرده است. به هر حال به گفته مینورسکی، افتخار خلق این همه کتاب متنوع، نصیب او شده، حتی اگر نویسنده‌ی آن‌ها نبوده باشد.

او از پشتیبانان اصلاحات بنیادی افرادی چون میرزاحسن خان سپهسالار در ایران بود. با این حال گفته می‌شود وی اولین کسی بود که ایجاد سانسور کتاب و روزنامه‌ها را در ایران توصیه کرد و خود وی نیز از اولین مبتلایان سانسور کتاب شد و کتاب سرگذشت خر که وی ترجمه کرده بود، سانسور و جمع آوری شد. (آل داود، ۱۳۷۹: ۳) حاصل زحمات وی مجموعه آثار ارزشمندی است که هم‌اکنون مورد استناد و استفاده محققین علم تاریخ، جغرافیا، رجال و غیره قرار می‌گیرد، به همین دلیل این آثار از درجه اهمیت بسیاری برخوردارند. (ططری، ۱۳۸۴: ۴۹)

پیشینه تحقیق

تاکنون درباره اعتمادالسلطنه و آثارش چند مقاله و کتاب منتشر شده که برخی از آن‌ها (به ترتیب سال انتشار) به شرح زیر است:

در سال ۱۳۴۷، کتیرایی، مقاله‌ای را با عنوان «وجهه نظر اعتمادالسلطنه نسبت به سیاست روس و انگلیس» در مجله نگین منتشر ساختند.

در سال ۱۳۷۹، محرابی، مقاله‌ای را با عنوان «اعتمادالسلطنه؛ روزنامه‌نگار بنام عصر ناصری»، در مجله‌ی کتاب ماه چاپ کردند.

در سال ۱۳۸۲، علی‌زاده، مقاله‌ای را با عنوان «وزیر تاریخ نگار»، در مجله کتاب ماه منتشر ساختند.

در سال ۱۳۸۲، متولی حقیقی، کتابی را با عنوان «وزیر تاریخ‌نگار: پژوهشی پیرامون زندگانی، آثار و شیوه تاریخ‌نگاری محمدحسن خان اعتمادالسلطنه» در مشهد چاپ کردند.

در سال ۱۳۸۴، ططری، مقاله‌ای را با عنوان «نقد و نظری بر شخصیت و آثار محمد حسن اعتمادالسلطنه»، در مجله پیام بهارستان چاپ کردند.

جهانگرد، در سال ۱۳۹۰، مقاله‌ای با عنوان «نگاهی انتقادی به سرنوشت ترجمه‌ی منطق الحمار اعتمادالسلطنه»، در مجله ادبیات پارسی معاصر منتشر کردند.

۱. نثر دوره‌ی قاجار

برخی نثر را مقابل «نظم» قرار می‌دهند و آن را کلامی می‌دانند که منظوم نباشد یا به قید وزن و آهنگ قراردادی معمول در شعر محدود نباشد. (زرین کوب، ۱۳۶۸، ۴۸۶). گروهی نثر را سخن بی‌پیرایه و صریحی می‌دانند که انسان بدان وسیله مقاصد خود را در گفتار و نوشتار ادا می‌کند. (داد، ۱۳۷۵: ۲۸۳). عده‌ای نیز نثر را سخن مکتوبی می‌دانند که بی‌پیرایه و بدون وزن و قافیه باشد و بدان وسیله مقاصد گوینده و نویسنده به‌وشی متفاوت با نظم یا شعر بیان گردد. (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۴۰). سبک، وحدت و یکرنگی و اتحاد بین اجزا نثر است. زمینه و بافت متحد و یکرنگی که صداها و واژه‌ها و جمله‌ها و پیام اثر را کم‌وبیش دربرگرفته است. تکرار و ویژگی‌های یک اثر است که ممکن است خودآگاه باشد. اما غالباً ناخودآگاه است و ریشه در غریزه یا عادت دارد. (شمسیا، ۱۳۷۲: ۲۹۴). نثر دور قاجار بسیار بیش از شعر مورد توجه منتقدان بوده است. علت آن هم آشکار است؛ ترویج علوم جدید، و دادن آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی به مردم، که هدف اصلی این منتقدان بود، تنها از یک راه امکان داشت: ایجاد نثری ساده و روشن، به دور از لفظی‌ها و صنعت بازی‌های ادبیانه. برای ایجاد چنین نثری بود که منتقدان مذکور از یک سو به انتقاد از نثر گذشتگان، که غالباً مصنوع و پر تکلف بود، پرداختند و از دیگر سو خود دست به کار شدند و بنابر ضرورت آثاری در نثر فارسی پدید آوردند که اگر چه از غلط‌های املائی و انشایی برکنار نبود، لیکن آکنده از مضامین نو بود و از حیث سادگی و در خور فهم همگان بودن، در میان نوشته‌های فارسی کمتر سابقه و نظیری داشت.

۱.۱. عصر قاجار و تحول نثر فارسی

عصر قاجاریه و به تعبیر دقیق، دوره سلطنت فتحعلی شاه (۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ق) تا پایان دوره‌ی سلطنت ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳ق / ۱۸۹۵م) دوره‌ی دوم بازگشت و عصر ساده‌نویسی است. بدون شک ادبیات رسمی این عصر را مخصوصاً در اوایل عهد قاجار، به خوبی می‌توان با عنوان "بازگشت ادبی" تعبیر کرد و ریشه‌ی این بازگشت را نیز در آنچه به ادبیات دیوانی مربوط است، می‌توان در تحولات مربوط به سیاست و حکومت شناخت. زیرا ادبیات دیوانی که اغلب به خامه‌ی منشیان و مستوفیان و وابستگان به دربار بود، چندان تأثیری در ادبیات طبقه‌ی عوام و نیز دیگر سطوح فرهنگی جامعه که هر یک برای خود فرهنگ و زبان و ادبیاتی دارند نداشت. شاید بتوان گفت از عوامل

ترویج شیوه‌ی رسمی و دیوانی نگارش و رویکرد به سبک قدیم، علاقه و ذوق سرشار نویسندگان و دبیران و نیز شاهان و شاهزادگان قاجار که خود تربیت یافتگان همین گروه منشیان و ادیبان و علمای ادب دوست بوده‌اند، باشد. البته بزرگان و فرهیختگان مذهبی نیز در این دوران دارای قرایح ادبی فراوان بوده‌اند. چنان‌که میرزای قمی، ملا احمد نراقی، میرزا فتحعلی تبریزی، سید مهدی بحرالعلوم، ملاهادی سبزواری متخلص به اسرار، ملا علی نوری، میرزا ابوالحسن جلوه و بسیاری دیگر را می‌توان بر شمرد. (زرین کوب، ۱۳۷۳: ۶۲۷).

در تحلیل و بررسی‌های دیگر ذیل علل گرایش به سبک قدیم در نگارش نثر فارسی، توجه و اهتمام ایرانیان به گذشته فرهنگی و ادبی خود و طرد هرگونه تمایل به زبان و فرهنگ بیگانه، قابل توجه است. روحیه‌ی استقلال طلبی، بیگانه ستیزی و مقابله با تهاجم فرهنگی غرب در ادبیات که زبان فرهنگ است، در اوایل و اواسط این عصر ظاهر گشت. لیکن نفوذ و سلطه‌ی همه جانبه‌ی غرب بر ممالک مشرق زمین وضع و سستی شاهان قاجار، رفته رفته کام شیفتگان زبان شیرین فارسی را با ورود واژگان و تعبیر بیگانه تلخ کرد. گرایش به تجدد و تفنن ادبی در اثر آشنایی با قالبهای شعری اروپایی، ترجمه‌ی آثار ادبی غربی، برقراری ارتباط با کشورهای غربی، رواج روشنفکری، حضور استادان خارجی در دارالفنون، فعال شدن صنعت چاپ و عوامل دیگر موجب شد تا سبک نثر فارسی دچار هرج و مرج و دگرگونی شود. (زرین کوب، ۱۳۷۳: ۶۳۰)

در سال ۱۳۳۶ ه. ق نویسندگانی چون ملک الشعرا بهار برای حفظ نثر فارسی از این گونه تحولات، به فکر تأسیس انجمن ادبی "دانشکده" افتادند تا با تجدید نظر در طرز و روش ادبیات فارسی، جریان به نام "انقلاب آرام ادبی" را هدایت کنند، ولی جریان سریع دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی، آن تحول را با شکست رو به رو ساخت. (زرین کوب، ۱۳۷۳: ۶۴۱).

می‌توان گفت نثر این دوره شکل بازسازی شده همان نثر ساده و مرسل قدیم (سده ۴ و ۵ هجری) است و همانند نثر ساده‌ی قدیم عناصر آن از زبان محاوره‌ای مردم اخذ شده است. مفردات و ترکیبات ساده، جمله‌های کوتاه و در اکثر موارد بدون حذف فعل، مثل‌های سایر در زبان مردم متوسط، تکیه کلام‌های کوچک و بازار، از بارزترین ویژگی‌های

نثر سال‌های قبل از انقلاب مشروطه است و در جای‌جای نوشته‌های این دوره به "ساده‌نویسی" تأکید شده است.

تاریخ‌نگاران و نویسندگان ایران دو عامل مهم را سبب این ساده‌نگاری می‌دانند:

۳ . ۱ . ۱. ارتباط ایرانیان با کشورهای اروپایی

۳ . ۱ . ۲. دیگر تأسیس روزنامه و رواج روزنامه‌نویسی (فسایی، ۱۳۸۰: ۶۵۵)

۲. روزنامه‌های اعتماد السلطنه

در زمان ناصرالدین شاه، وزارتخانه‌ای به نام «وزارت انطباعات» به وجود آمد که به سه اداره روزنامه‌جات، دارالترجمه خاصه و دارالتألیف دولتی تقسیم می‌شد. اعتمادالسلطنه در سال ۱۲۸۸ هـ.ق. وزیر انطباعات بود و به «صنیع الدوله» ملقب گردید و از این زمان تا سال ۱۳۱۳ هـ (سال فوتش) تمام روزنامه‌ها، ترجمه‌ها، کتب و تألیفات در هر زمینه‌ای زیر نظر وی تحریر و چاپ می‌شده‌اند.

اداره روزنامه‌جات، همه امور مربوط به تحریر و نشر روزنامه‌ها را تحت پوشش خود داشت و هر روزنامه، کتاب، نقاشان، تهذیب‌کاران و خطاطانی داشت و مستوفی و مدیر هرروزنامه مستقل از روزنامه‌های دیگر مشغول به کار بودند. روزنامه‌هایی که به مدیریت اعتمادالسلطنه انتشار می‌یافت عبارتند از:

۲ . ۱. روزنامه خاطرات

هفت سال پس از انتشار نخستین روزنامه فارسی چاپ ایران که با نام «کاغذ اخبار» از ماه محرم سال ۱۲۵۳ هجری قمری شروع به انتشار نمود. کودکی زاده شد که بعدها یکی از برجسته‌ترین روزنامه‌نگاران عصر ناصری به شمار آمد.

آشنایان به تاریخ مطبوعات ایران بر این نکته وقوف دارند که علی‌رغم دید منفی برخی از نویسندگان و مورخین نسبت به اعتمادالسلطنه، وی یکی از پایه‌گذاران مطبوعات ایران به شمار می‌آید و چه بسا اگر زحمات بی‌دریغ او نبود، مطبوعات ایرانی عصر قاجار در مسیری کندتر از آنچه که پیموده است قرار می‌گرفت.

نوشتن "روزنامه خاطرات" که در زبان‌های فرانسه و انگلیسی به ترتیب *Journal* و *diary* گفته می‌شود در زبان دیرسال فارسی کم سابقه و جوان است و اعتمادالسلطنه نخستین دولت‌مرد ایرانی است که دست به این کار مهم زده است. اعتمادالسلطنه مردی

صاحب ذوق و اطلاع بوده و به شهادت کتاب حجیم خود کار روزنامه خوانی روزانه در درگاه ناصرالدین شاه را بر عهده داشته و به زبان فرانسه کاملاً آشنا بوده است. وی که مدت چهار سال در فرانسه به تکمیل زبان فرانسه و اخذ معلومات جدید مشغول بوده و در سال ۱۲۸۴ هـ ق به ایران مراجعت کرده و به پست مترجم حضوری دربار تعیین شده، به نظر این نویسنده، بی‌شک در مدت اقامت خود در فرهنگ به چند روزنامه خاطره از این نوع که اتفاقاً در نیمه دوم قرن نوزدهم و پس از استقرار جمهوری سوم سخت باب روز بوده دست یافته و نگاهی به آنها افکنده است. از جمله، شیوه برخورد او با وقایع و ضبط و ثبت آنها به شیوه دو روزنامه خاطرات معروف زبان فرانسه یعنی خاطرات لویی سن سیمون و ژوزف فوشه شباهت‌های بسیاری دارد و رندی‌ها و زیرکی‌های آن دو در کار این به خوبی دیده می‌شود. و باز به نظر می‌رسد که او بعد از آن که خوب در دربار ناصری جا افتاده، یعنی بعد از هشت سال خدمت شاهی و در فاصله بین معاونت وزارت عدلیه (۱۲۹۰ هـ ق) و انتساب به مقام ریاست دارالتألیف (۱۲۹۸ هـ ق)، به تصمیم خود مبنی بر نوشتن روزنامه خاطرات روزانه جامعه عمل پوشانده است. سبک و سیاق این روزنامه را هم‌چنان که گفتیم شاید بیش از فوشه از سن سیمون اقتباس کرده است زیرا سن سیمون نقاش چیره دست دربار لویی چهاردهم است با همه حکایات درونی و برونی آن نیز نباید اشاره خود اعتمادالسلطنه را درباره علاقه‌اش به روزنامه‌های خاطرات و وجدی را که وی از یافتن دوره چهارده ساله روزنامه روزبه‌روز ناپلئون سوم پیدا کرده است، از یاد برد.

این کتاب مفصل مجموعه‌ی یادداشت‌های روزانه‌ی اعتمادالسلطنه و مشتمل بر حوادث ۱۵ ساله‌ی آخر زندگی او، یعنی از آغاز سال ۱۲۹۸ تا ۱۳۱۳ ق/ ۱۸۸۰ تا ۱۸۹۵ م است. نویسنده در اکثر مواضع این اثر، نظریات خود را درباره‌ی شاه و رجال آن عصر و دیگر دست اندرکاران با وضوح و از دید انتقادی نوشته، و گاه نیز تندترین انتقادات را متوجه آنان و حتی خود نموده است. این خاطرات از نظر اشمال بر مطالب نادر تاریخی، منبعی سودمند برای تاریخ اواخر عهد ناصرالدین شاه است و در آن نکته‌های خواندنی درباره‌ی رجال، وضع اجتماعی و زد و بندهای سیاسی آن روزگار به چشم می‌خورد. از این‌رو برای پژوهش در تاریخ سیاسی و اجتماعی دوره‌ی قاجار مأخذی قابل توجه و سودمند است. (منزوی، ۱۳۵۴: ۶)

از کتاب‌های بسیار مفید و سودمندی که پیرامون حوادث روزمره‌ی دوره‌ی ناصرالدین شاه به رشته‌ی تحریر کشیده شده و مورد استفاده‌ی محققین تاریخ عصر قاجاریه است روزنامه‌ی خاطرات اعتمادالسلطنه می‌باشد که به اهتمام دانشمند بزرگوار حضرت آقای ایرج افشار به حلیه‌ی طبع آراسته گردیده است.

برخی از محتوای کتاب به شرح زیر است:

- اعتمادالسلطنه عامل سیه روزی و بدبختی‌های ایران را نه در وجود پادشاهان نالایق بلکه در وجود صدراعظم‌های نالایق می‌داند.

- خیانت حاج ابراهیم خان کلانتر شیرازی به سلسله‌ی زندیه و خوش خدمتی به قاجار و در نهایت دیدن مکافات عمل خود را

- اذعان نویسنده به توانایی‌های امیرکبیر در سامان بخشی کشور و خدمات ارزنده او به ایران و کوتاه کردن دست اشراف زادگان در سیاست و از بین بردن امتیازات شاهزادگان.

- دخالت انگلستان در ایران در زمان صدراعظمی میرزا حسین خان سپهسالار و گرفتن امتیازاتی چون امتیاز نامه‌ی راه آهن، دایر کردن بانک و استخراج معدن در ایران و بردن شاه به سفر فرنگ توسط میرزا حسین خان سپهسالار در جهت خوش خدمتی به انگلستان.

- خیانت‌های درباریان و زد و بند با دول بیگانه یکی دیگر از فرازهای مهم نوشته‌های اعتمادالسلطنه است.

- نویسنده از کسانی که به دنبال آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و طرفدار برهم زدن وضع موجود بوده‌اند، به شدت نفرت داشته است.

دوره ناصرالدین شاه قاجار یکی از ادوار مهم تاریخ جدید ایران است، در این دوره تحولات فراوان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رخ داد که در شکل‌گیری حوادث بعدی بسیار تأثیرگذار بود. یکی از مهم‌ترین تحولات فکری و فرهنگی این زمان مربوط است به زایش شیوه و اسلوب خاصی در تاریخ نگاری که خود متأثر است از به کارگیری سبک نوینی از ادبیات فارسی که به سره نویسی مشهور است.

نثر در دوره قاجار بسیار بیش از شعر مورد توجه منتقدان بوده است. علت آن هم آشکار است؛ ترویج علوم جدید، و دادن آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی به مردم، که هدف

اصلی این منتقدان بود، تنها از یک راه امکان داشت: ایجاد نثری ساده و روشن، به دور از لفظی‌ها و صنعت بازی‌های ادیبانه. برای ایجاد چنین نثری بود که منتقدان مذکور از یک سو به انتقاد از نثر گذشتگان، که غالباً مصنوع و پر تکلف بود، پرداختند و از دیگر سو خود دست به کار شدند و بنابر ضرورت آثاری در نثر فارسی پدید آوردند که اگر چه از غلط‌های املائی و انشایی بر کنار نبود، لیکن آکنده از مضامین نو بود و از حیث سادگی و در خور فهم همگان بودن، در میان نوشته‌های فارسی کمتر سابقه و نظیری داشت. (دهقانی، ۱۳۷۸: ۷)

می‌توان گفت نثر این دوره شکل بازسازی شده همان نثر ساده و مرسل قدیم (سده ۴ و ۵ هجری) است و همانند نثر ساده‌ی قدیم عناصر آن از زبان محاوره‌ای مردم اخذ شده است. مفردات و ترکیبات ساده، جمله‌های کوتاه و در اکثر موارد بدون حذف فعل، مثل‌های سایر در زبان مردم متوسط، تکیه کلام‌های کوچه و بازار، از بارزترین ویژگی‌های نثر سال‌های قبل از انقلاب مشروطه است و در جای‌جای نوشته‌های این دوره به "ساده‌نویسی" تأکید شده است. تاریخ‌نگاران و نویسندگان ایران دو عامل مهم را سبب این ساده‌نگاری می‌دانند. یکی ارتباط ایرانیان با کشورهای اروپایی و دیگر تأسیس روزنامه و رواج روزنامه‌نویسی (رستگار فسایی، ۱۳۷۳) یکی از کسانی که در این راه کوشش فراوان کرده محمد حسن خان اعتمادالسلطنه است او خود می‌گوید:

" این ذره‌ی بی‌مقدار و ضعیف خاکسار، اگر تحملی این قسم زحمات نموده و زیاده از چهل سال تمام زندگانی خود را صرف تحصیل کرده، و جهات من الوجوده به عیش و تنعم که جوانی داعی آن است نپرداخته و [...] در سفر و حضر آنی از آموختن غفلت نورزیده، متجاوز از سی جلد کتاب در علوم متنوعه خاصه در جغرافیا و تاریخ طبع و تألیف نموده و منتشر ساخته. خداوند تبارک و تعالی گواه است که منظوری و مقصودی نداشته جز این که به پارسی زبانان دنیا دو خدمت کرده باشم: اول آن که سبک و اسلوب انشاء و مراسلات سابقه را که فهم آن برای قاطبه‌ی مردم مشکل می‌نمود، جرح و تعدیل نمایم و رسم مغلق‌نویسی و قید به سجع و قافیه را براندازم. ثانی آن که به نشر معلومات مهمه پردازم."

از جانب دیگر کتاب روزنامه‌خاطرات، آیین‌های تمام عیار شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دوران قاجار است. به همین جهت بررسی و تحلیل کتاب می‌تواند در بازشناسی یکی از دوران مهم تاریخی ایران برای عبرت آموزی نسل‌های آینده راهگشا باشد.

- ساده و روان‌نویسی به پیروی از سبک نوشتاری دوران اولیه‌ی قاجار و پیش از مشروطه

- در نوشتار خود از جملات پیچیده و فنی بسیار کم استفاده کرده است.

- از اصطلاحات و ادبیات محاوره‌ای به کثرت در جای‌جای کتاب استفاده شده است.

- نویسنده از امثال و حکم بیشترین استفاده را در پر بار کردن نوشتار خود استفاده کرده است.

اعتمادالسلطنه جهت اثبات مدعای خود و تفهیم مطلب به خواننده در نوشتار خود از سجع، تنسیق الصفات، جناس و اشعار استفاده کرده است و به زیبایی کلام افزوده است.

۲ . ۲ . روزنامه ایران سلطانی

این روزنامه اولین روزنامه‌ای است که زیر نظر محمدحسن خان و در سال ۱۲۸۸ هـ منتشر شده است.

۲ . ۳ . روزنامه شرف

اولین شماره شرف به مدیریت اعتماد السلطنه در محرم سال ۱۳۰۰ هـ در قطع رحلی و در ۴ صفحه با دو تصویر به طبع رسیده است. مطالب این روزنامه به شرح حال رجال، سیاستمداران و هنرمندان ایرانی و غیرایرانی اختصاص داشت و در آن به شرح پیشینه خانوادگی، مناصب، مشاغل و شخصیت افراد مذکور همراه با تصاویر نقاشی شده آنها پرداخته می‌شد و به ندرت مطالبی غیر از این در روزنامه مشاهده می‌گردد. نوشته‌های روزنامه را محمدحسن خان طرح‌ریزی و یا شخصا می‌نوشته است و اگر کسان دیگر مطالب را تهیه می‌کردند، وی آن نوشته‌ها را می‌خواند و بعد از تصحیح و امضا برای تحریر به قسمت خطاطی روزنامه می‌فرستاد.

۲ . ۴. روزنامه علمی

این نشریه به صورت ماهیانه از سال ۱۲۹۳ هـ تا ۱۲۹۷ هـ با مدیریت اعتماد السلطنه انتشار می‌یافت.


۲ . ۵. روزنامه مریخ

موضوع مطالب مندرج در این روزنامه نظامی بود و از سال ۱۲۸۹ هـ تا ۱۲۹۷ هـ به سرپرستی وی و به طور ماهیانه منتشر می‌گردید. (طبری، ۱۳۸۴: ۸)

۲ . ۶. روزنامه‌های مرآه السفر

۲ . ۷. اردوی همایون

اثر فوق در ۹۶ صفحه با مقدمه‌هایی از عبدالله فرادی و ایرج افشار توسط انتشارات گلشن در تهران چاپ و منتشر گردیده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری

ایران عصر قاجار به دلیل مواجهه با تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از مهم‌ترین و جالب‌ترین ادوار تاریخی ایران به شمار می‌آید. گسترش روابط همه‌جانبه با کشورهای اروپایی به ویژه روسیه و انگلیس (در راستای اهداف استعماری آن‌ها) و علاقه‌مندان پادشاهان قاجار (به ویژه ناصر الدین شاه و مظفر الدین شاه) به برقراری ارتباط با این دول، بارزترین علل تحولات فوق می‌باشد. بعد فرهنگی روابط از جمله اعزام دانشجو به خارج از کشور نیز از دستاوردهای مهم دولتمردان وطن‌دوست عهد قجری است. محصلین اعزامی با مشاهده تحولات و پیشرفت‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی غرب به عقب‌ماندگی ایران واقف می‌شدند و پس از بازگشت به وطن در رفع نقایص موجود تلاش بسیار می‌نمودند، هرچند به طور کامل به اهداف خود نایل نمی‌شدند.

محمد حسن خان اعتماد السلطنه از تحصیل کردگان در خارج از کشور بود که پس از بازگشت به ایران، فعالیت‌های فرهنگی و ادبی گسترده‌ای را آغاز نمود. به ویژه از زمانی که به وزارت انطباعات و دارالترجمه دولتی منصوب گردید. وی از رجال نامدار عهد ناصری است که عمده فعالیتش در زمینه امور فرهنگی و ادبی بود و در این راه کوشش بسیاری مبذول داشت. آثار و تألیفات وی که بیشتر جنبه تاریخی دارند به چهار دلیل عمده نسبت به دیگر نوشته‌هایش از اهمیت بالاتری برخوردارند.

- این کتاب‌ها و روزنامه‌ها از منابع اصلی تاریخ عهد قاجاریه محسوب می‌شوند.

- اعتماد السلطنه برای تألیف این آثار به منابع و اسناد تاریخی (مانند فرامین

حکومتی) دسترسی داشته است.

- او نگارنده وقایعی است که خود در بطن بعضی از آن رویدادها حضور داشته و یا

حداقل از مشاهدات هم‌عصرانش (مثل پدرش) در ذکر آن حوادث بهره می‌برده است.

- اعتماد السلطنه در سال (۱۳۰۰ هـ - ق) وزیر انطباعات و دارالترجمه دولتی گردید

به همین سبب در انتخاب و به کارگیری هنرمندان خطاط، نقاش، صحاف و... به منظور تحریر کتب و روزنامه‌ها آزادی عمل و اختیار کامل داشته است، لذا به نوعی می‌توان گفت که آثار وی معرف هنرمندان آن دوره نیز است.

منابع

۱. آرین‌پور، یحیی، (۱۳۵۵) از صبا تا نیما، مشهد: آستان قدس.
۲. آل داود، سید علی، (۱۳۷۹) دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی
۳. استوری، چارلز، (۱۳۶۲) ادبیات فارسی، تحریر روسی برگل، ترجمه یحیی آرین‌پور و دیگران، تهران
۴. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، (۱۳۸۷) تاریخ و جغرافیای راه عراق عجم. در کتاب سفرنامه عراق عجم، به تصحیح: میرهاشم محدث. چاپ اول، تهران: اطلاعات.
۵. اعتماد السلطنه، (۱۳۶۳) تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران، به تصحیح: میرهاشم محدث. چاپ اول: تهران: امیر کبیر.
۶. اعتماد السلطنه، (۱۳۴۸) خلسه (خواب نامه) به کوشش محمود کتیرائی، تهران: توکا.
۷. اعتماد السلطنه، (۱۳۷۷) روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، مقدمه و فهرس ایرج افشار، تهران: امیر کبیر.
۹. اعتماد السلطنه، (۱۳۸۲) خرنامه، به کوشش علی دهباشی، تهران: پنجره.
۱۰. دهقانی، محمد (۱۲۷۸) ستیز با سنت: نقد ادبی از دوره قاجار تا انقلاب مشروطه، مجله کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۲۰، از صفحه ۴ تا ۱۴
۱۱. رضازاده شفق، صادق، (۱۳۲۰) دایره المعارف فارسی، تاریخ ادبیات ایران، تهران
۱۲. رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰) انواع نثر فارسی، تهران: نشر سمت، چاپ اول.
۱۳. جورجودکی ریکو، (۱۳۷۷) نقد ادبی: راز و آفرینش، ترجمه عزت الله فولادوند، مجله بخارا، شماره ۳
۱۴. جهانگرد، فرانک، (۱۳۹۰) نگاهی انتقادی به سرنوشت ترجمه‌ی منطق الحمار اعتماد السلطنه، ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۲۱-۳۸.
۱۵. خان ملک ساسانی، احمد، (۱۳۳۸) سیاستگران دوره قاجار، تهران: شرف.
۱۶. رجایی، عبدالمهدی، (۱۳۹۰) تاریخ نگاری محلی عصر قاجار، مجله مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، سال چهل و سوم، شماره پیاپی ۸۶/۴، صص ۲۹-۵۲
۱۷. ططری، علی، (۱۳۸۴) نقد و نظری بر شخصیت و آثار محمد حسن اعتماد السلطنه، مجله پیام بهارستان، شماره ۴۹، از صفحه ۶ تا ۱۳

۱۸. - سجودی، فرزانه، (۱۳۸۷) نقد گونه های ادب، مجله هنر، شماره ۳۹
۱۹. شمیسا، سیروس، (۱۳۷۲) کلیات سبک شناسی، چاپ اول، تهران: انتشارات فردوس.
۲۰. شمیسا، سیروس، (۱۳۸۰) سبک شناسی نثر، چاپ پنجم، تهران: نشر میترا.
۲۱. علی زاده، خسرو، (۱۳۸۲) وزیر تاریخ نگار، مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۶۶، از صفحه ۵۵ تا ۵۶
۲۲. عزیز الله بیات، (۱۳۷۷) شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران، ج اول، تهران: امیر کبیر، ج دوم.
۲۳. کتیرایی، محمود، (۱۳۴۷) وجهه نظر اعتماد السلطنه نسبت به سیاست روس و انگلیس، مجله نگین، شماره ۴۰. صفحه ۳۰ تا ۳۱.
۲۴. کسروی، احمد (۱۳۵۶) کاروند، به کوشش یحیی ذکاء، تهران.
۲۵. کلانتر ضرابی، عبدالرحیم، (۱۳۴۱) تاریخ کاشان، به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم، فرهنگ ایران زمین، تهران
۲۶. کتیرایی، محمود، (۱۳۵۷) تعلیقات بر خلسه اعتماد السلطنه، تهران: توکا.
۲۷. متولی حقیقی، یوسف، (۱۳۸۲) وزیر تاریخ نگار: پژوهشی پیرامون زندگانی، آثار و شیوه تاریخ نگاری محمد حسن خان اعتماد السلطنه، مشهد.
۲۸. محرابی، معین الدین، (۱۳۷۹) اعتماد السلطنه؛ روزنامه نگار بنام عصر ناصری، مجله کتاب ماه کلیات، شماره ۳۸، از صفحه ۱۴ تا ۱۶
۲۹. لشکری، سهیلا، (۱۳۹۰) تاریخ و جغرافیا، کتاب ماه، شماره ۱۶۳، ص ۱۱۰ تا ۱۰۷
۳۰. منزوی، خطی؛ مینوی، مجتبی (۱۳۵۴) سرگذشت خر، تهران: راهنمای کتاب.
۳۱. محمدزاده، حمید (۱۳۵۵) مقالات فارسی، تهران: نشر نگاه.
۳۲. نجم الملک، عبدالغفار، (۱۳۴۱) سفرنامه خوزستان، به کوشش محمد دبیر سیاقی، چاپ اول، تهران: علمی.
۳۳. همایی، جلال الدین، (۱۳۶۷) فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ چهاردهم، تهران: نشر هما.



پروفیسر گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی